

بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه همدلی خود

*داود معنوی پور^۱، پونه شهابی^۲، علیرضا پیرخانفی^۳

۱. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران.

۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران.

(تاریخ وصول: ۹۷/۰۸/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۱)

The psychometric properties of the questionnaire self-empathy

*Davood manavipoor¹, Pooneh Shahabi², Alireza Pirkhaefi³

1. Associate professor of psychology, Islamic Azad University, Garmsar. Iran.

2. Phd Student of psychology, Islamic Azad University, Garmsar. Iran.

3. Associate professor of psychology, Islamic Azad University, Garmsar. Iran.

(Received: May. 20, 2020 - Accepted: Oct. 27, 2018)

Abstract

Objective: The aim of this study was to construct a self-empathy scale based on the psychodynamic approach of Davanloo and Malan. **Method:** This was a descriptive correlational study with the aim of developmental psychometrics. The statistical population of this study included all students of Islamic Azad University of Tehran and Garmsar in the academic year of 1998-99. **Results:** The reliability coefficient of this scale was 0.89 by Cronbach's alpha method. The results of exploratory and confirmatory factor analysis of his self-empathy scale showed that with 16 items, 5 factors measure body attention, perception of feelings, introspection, anxiety, and defense mechanisms. This scale, with its coefficient of reliability and validity of structure and content, is suitable for screening people at their level of self-empathy.

Keywords: self-empathy, Factor Analysis, Psychodynamic, Conflict Triangle.

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف ساخت مقیاس سنجش همدلی خود بر مبنای رویکرد روان پویایی دوانلو و مالان انجام شد. روش: این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی با هدف توسعه ای- روانسنجی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای تهران و گرمسار در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بود. یافته ها: ضریب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰٫۸۹ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مقیاس همدلی خود نشان داد که با ۱۶ گویه ۵ عامل توجه به بدن، درک احساس، درون نگری، اضطراب و مکانیسم های دفاعی را اندازه گیری می نماید. این مقیاس با ضریب پایایی و روایی سازه و محتوایی، برای غربالگری افراد در میزان همدلی خود مناسب است.

واژگان کلیدی: همدلی خود، تحلیل عاملی، روان پویایی، مثلث تعارض.

*نویسنده مسئول: داود معنوی پور

*Corresponding Author: Parviz Sabahi
manavipor53@yahoo.com

Email:

مقدمه

کمک می کند (تامپسون، ۲۰۰۱) به نظر می رسد همدلی برای تبدیل انسان ها به موجودات اجتماعی مهم است و به ما این امکان را میدهد تا از لحاظ عاطفی با دیگران درگیر شویم و افکارمان را به اشتراک بگذاریم علاوه بر این رفتار دیگران را پیش بینی می کنیم که این خود یک تعامل موفق را تضمین می کند.

در فرهنگ لغت دهخدا واژه همدلی^۱ به معنای وفاق و یکدلی و در فرهنگ لغت معین با معانی متفق، متحد و دارای یک رأی و اندیشه آمده است. همدلی در فرهنگ جامع روانشناسی با معانی مختلفی از قبیل: ۱- آگاهی و فهم هیجانها و احساسات یک فرد دیگر، ۲- پاسخ عاطفی به هیجانها دیگری و ۳- تصور ذهنی نقش یک فرد دیگر و... (پورافکاری، ۱۳۷۳) تعریف شده است. همدلی خود به معنای داشتن وفاق و یکدلی با خود است. همدلی خود یعنی اتحاد میان تمامی عناصر درون روانی که شامل احساس، شناخت و رفتار است. فرد دارای همدلی خود، از انسجام و یکپارچگی درونی برخوردار است و به آنچه در دنیای درون روانی اش می گذرد واقف و پذیراست. بر اساس این تعاریف و برخلاف تصور رایج از این مفهوم، همدلی به عنوان دوست داشتن خود نیست، بلکه در معنای اتحاد و وفاق با خود است. در روان درمانی پویایی متمرکز دوانلو و بر اساس مثلث تعارض، عناصر درون روانی موثر در چرخه نوز عبارتند از احساس، اضطراب و دفاع، که با این تعریف از همدلی، می

اصطلاح همدلی در معنای اصلی خود به ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقش اساسی در زندگی اجتماعی^۱ همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقش اساسی در زندگی اجتماعی^۱ (ریف، کتلار و ویفرینگ، ۲۰۱۰). بررسی تعاریف همدلی در بیست سال گذشته نشان می دهد که هیچ تعریف واحدی وجود ندارد که به طور مداوم مورد استناد قرار بگیرد، در واقع بسیاری از تعاریف اغلب به عنوان ویژگی متمایزی از همدلی معرفی شده اند (باتسون، ۲۰۰۹، گرودر، سگال، لیتز، ۲۰۱۰). همدلی متأثر از نوشته های دیدید هیوم و آدام اسمیت است و می توان گفت این اصطلاح میراث فکری نسبتاً اخیر است. در رویکرد علمی معاصر همدلی موضوع اصلی روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد، شخصیت، بالینی، علوم اعصاب، روان درمانی و حرفه های مختلف بهداشتی (هال، شوارتز، ۲۰۱۸) است و به عنوان پدیده ای بسیار پیچیده، چند بعدی و بین فردی (گلادشتاین، ۱۹۸۳) و همچنین به عنوان دانش توصیف می شود آنچه آنچنان که فرد همدلی را تغییر میدهد احساسات جدید، شناخت جدید و سایر اشکال درون گرایی را به همراه می آورد (بارتکی، ۱۹۹۷) همدلی یک مولفه مهم شناخت اجتماعی است که به توانایی فرد در درک و پاسخگویی تطبیق پذیر بر احساسات دیگران، موفقیت در برقراری ارتباط عاطفی و ارتقا رفتارهای اجتماعی

^۱ Empathy

جدیدی است (معنوی پور، ۱۳۹۹) که برای سنجش آن ابزاری وجود ندارد و این پژوهش در راستای ساخت مقیاسی برای سنجش آن انجام شده است.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی با هدف توسعه ای- روانسنجی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای تهران و گرمسار در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بود.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش آزمون محقق ساخته ای بود که با استفاده از مراحل زیر جهت سنجش همدمی خود تهیه گردید. برای ساخت این آزمون ابتدا چهارچوب نظری همدمی خود تعریف شد. همدمی خود بر مبنای نظری روان درمانی پویسی متمرکز کوتاه مدت دونولو و مثلث تعارض مالان معین شد. با توجه به چهارچوب تعیین شده و ارائه تعاریف عملیاتی از آنها، ۲۷ گویه جهت سنجش همدمی خود طرح شد. پس از تهیه گویه ها، فرم تجربی مقیاس برای بررسی روایی محتوایی آماده شد و در اختیار ۵ متخصص روانشناسی آشنا با این رویکردها قرار داده شد. پس از بررسی و تحلیل نظر متخصصان، گویه هایی که مورد تأیید ۷۵٪ آنها بود در فرم تجربی قرار گرفتند و مابقی حذف شدند. با این روش روایی محتوایی همه گویه ها تأیید شد. پرسشنامه آماده شده بر نمونه پژوهش اجرا و تحلیل های زیر انجام شد.

توان همدمی خود را به میزان آگاهی از این عناصر و درک چگونگی روابط بین آنها تعریف کرد. یعنی فردی که احساس ها و اضطراب ها و مکانیسم های دفاعی که دارد را متوجه می شود و می تواند به روشنی درک کند که چه زمانی مضطرب می شود، چه احساسی دارد و در حال استفاده از چه مکانیسمی دفاعی است و با استفاده از آن در حال کاستن از اضطراب و پنهان کردن احساسش است، سطح بالایی از همدمی خود را دارد.

سنجه های مختلفی مربوط به همدمی شکل گرفته که برخی از آنها شامل مقیاس همدمی هوگان (۱۹۶۹) مقیاس گرایش همدمی عاطفی (مهرابیان و ایستین، ۱۹۷۲) شاخص واکنش بین فردی (دیویس، ۱۹۸۳)، اندازه گیری و مشاوره و همدمی رابطه ای (مرکز و ماکسول، وات، ۲۰۰۴)، مقیاس احساس عاطفی (اشرف، ۲۰۰۴)، سنجش بهره اوتیسم (بارون، کوهن، اسکینر، ۲۰۰۱)، مقیاس همدمی نوجوانان ژاپنی (هاشیمیتو، ۲۰۰۲) مقیاس همدمی قومی و فرهنگی (وانک و همکاران، ۲۰۰۳) مقیاس همدمی پزشک جفرسون (هوجات، 2001)، مقیاس همدمی پرستاران (رینولدز، ۲۰۰۰) پرسشنامه همدمی شناختی و عاطفی (رینرز و همکاران، ۲۰۱۱) مقیاس احساس و تفکر (گارتون، ۲۰۰۵) مقیاس همدمی بنیادین (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶) اندازه گیری همدمی دریافت و مقیاس همدمی هیجانی متعادل (مهرابیان، ۲۰۰۰) مقیاس همدمی عاطفی چند بعدی (کر، ۱۹۶۰)، پرسشنامه همدمی توروئوتو (اسپرنگ و همکاران، ۲۰۰۹). اما مفهوم همدمی خود مفهوم

گویه ها به دلیل همبستگی منفی یا پایین حذف شدند. برای بررسی روایی سازه ابتدا از تحلیل عاملی اکتشافی به شرح زیر استفاده شد. ابتدا آزمون کفایت داده ها انجام شد. مقدار KMO ۰,۸۴ بود که نشان دهنده کفایت داده ها و ماتریس همبستگی مبتنی بر داده ها برای ورود به تحلیل عاملی است.

یافته ها

ضریب پایایی و همسانی درونی مقیاس سنجش همدلی خود با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. از مجموع ۲۷ گویه اولیه، پس از چندین مرتبه حذف و اصلاح، تعداد ۱۶ گویه با ضریب پایایی ۰,۸۹ به دست آمد و گویه های نامناسب به دلیل ناهمسانی با کل مقیاس حذف شدند. این

جدول ۱ - آزمون کایزر - مایر- اولکین و آزمون بارتلت

آزمون کفایت حجم نمونه کایزر - مایر- اولکین	۰,۸۴
آزمون کرویت بارتلت- تقریب کا- اسکوئر	2207.2
درجه آزادی	91
سطح معنی داری	254
	۰,۰۰۰

ویژه بیشتر از یک ۴۵,۹۸٪ از واریانس کل را تبیین می کند که قدرت تبیین نسبتاً مناسبی برای این مقیاس است.

در مرحله بعد از تحلیل عاملی سهم هر یک از عامل ها یا ارزش های ویژه آنها و قدرت تبیین واریانس آزمون مشخص شد. همان گونه که در جدول ۲ مشخص است تعداد ۵ عامل با ارزش

جدول ۲ - قدرت تبیین واریانس آزمون

ارزش های استخراج شده پس از چرخش	ارزش های ویژه بزرگتر از ۱	ارزش های ویژه اولیه	عام
---------------------------------	---------------------------	---------------------	-----

درصد تراکمی	مقدار درصد از واریانس	درصد تراکمی	مقدار درصد از واریانس	درصد تراکمی	مقدار درصد از واریانس	درصد تراکمی	مقدار درصد از واریانس	درصد تراکمی	مقدار درصد از واریانس
۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲	۰.۶۴۳۱۲
۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱	۰.۷۷۳۲۱
۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱	۰.۱۵۷۳۱
۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸	۰.۵۲۳۳۸
۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴

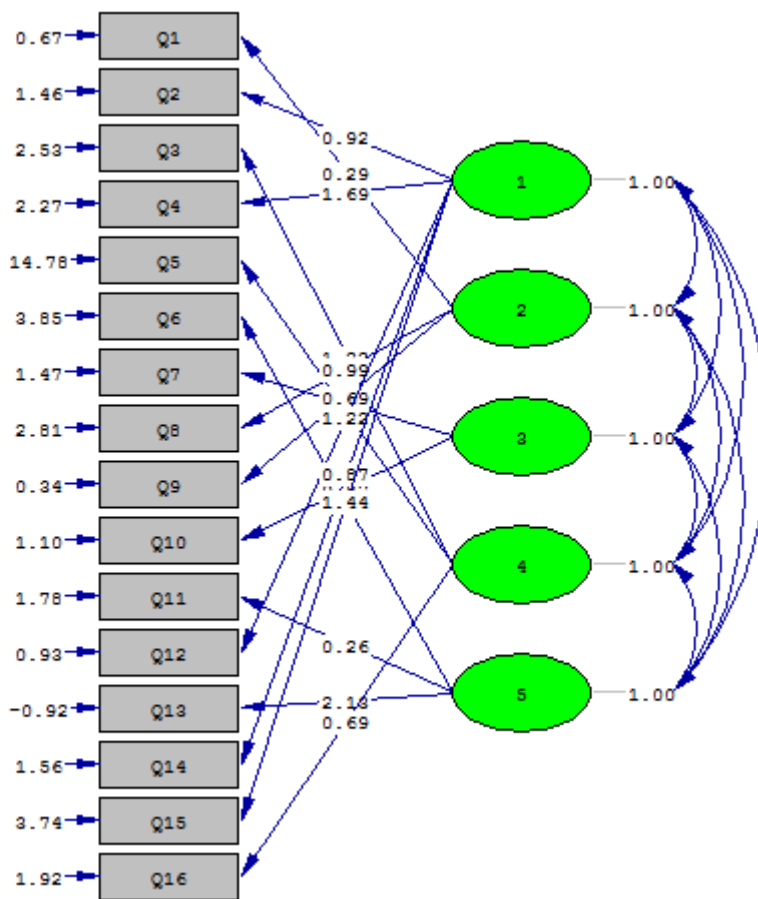
۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴	۰.۵۴
۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸

ها با عوامل در بهترین حالت ممکن قرار گرفتند و گویه های هر عامل معین شدند. ۱۶ گویه نهایی با تحلیل عاملی تاییدی نیز بررسی شدند.

تحلیل عاملی تاییدی

با استفاده از نرم افزار لیزرل تحلیل عاملی تاییدی انجام شد. نمودار ۳ نشان دهنده نمای کلی آزمون با ۵ عامل استخراج شده است.

برای تعیین همبستگی هر گویه با هر عامل ماتریس همبستگی اولیه مورد بررسی قرار گرفت. همبستگی های بیشتر از ۰,۴ بین عامل ها و گویه ها ملاک ورود متغیرها به عوامل بود و بالا و مثبت بودن آنها بیانگر این است که آن گویه در شناسایی آن عامل مفید است و منفی بودن ضرایب و کمتر بودن از ۰,۴ ملاک خروج متغیرها به عوامل بود که بیانگر همبستگی منفی با آن عامل است. پس از چرخش عوامل ماتریس گویه



نمودار ۱ - تحلیل عاملی تاییدی همدلی خود

نیکویی برازش تعدیل شده^۵ (AFGI)، برازش هنجار شده^۶ (NFI) و برازش هنجار نشده^۷ (NNFI) برای مدل های خوب و برازنده بین ۰٫۹ تا ۰٫۹۵ است و هر چه این مقدار به ۱ نزدیکتر باشد نشان دهنده برازندگی بهتر است (هنسون و رابرت^۸، ۲۰۰۶، کلاین^۱، ۲۰۰۵ و

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی تاییدی ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^۱ (RMSEA) برابر با ۰٫۰۳۲ است، که برای مدل های خوب باید کمتر از ۰٫۰۵ باشد (هومن، ۱۳۸۴ و براون و کودیک^۲، ۱۹۹۳). شاخص های برازش تطبیقی^۳ (CFI)، نیکویی برازش^۴ (GFI)،

^۵ Adjust Goodness Of Fit Index

^۶ Normed Fit Index

^۷ Non- Normed Fit Index

Henson & Roberts^۸

^۱ Root Mean Squared Error Of Approximation

Brown & Cudeck^۲

^۳ Comparative Fit Index

^۴ Goodness Of Fit Index

دوفصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

هومن، ۱۳۸۴). نتایج شاخص های برآزش برای
مقیاس همدمی خود در جدول ۱ آمده است.

جدول ۳: شاخص های برازش تحلیل عاملی تاییدی همدلی خود

RMSEA	P-Value	df	Chi-Square	CFI	GFI	AFGI	NFI	NNFI	شاخص های برازش
۲۰.۰۳	۰۰۰.۰	۲۲۴	۳۲۶	۹۰.۰	۸۹.۰	۹۵.۰	۹۰.۰	۹۳.۰	

شکل گرفته است و عدم آگاهی به این پویاها، منشا بسیاری از اختلالات روان شناختی قلمداد می شود (دوانلو، ۲۰۰۱). درک روابط بین راس های مثلث تعارض موجب می شود تا فرد با سهولت به احساس های بنیادین خویشتن دست یابد و حاصل آن تغییر در دیدگاه نسبت به خویشتن و دیگران است. دوانلو به نقل از هیکی (۱۳۹۸) معتقد است که دستیابی به احساس ها موجب از بین رفتن مکانیسم های دفاعی ناسالم و اضطراب می شود و فرد در این فرایند می تواند آسیب های نخستین به فرایند دلبستگی خود را ترمیم کند و روابط سالم تری را با خود و دیگران ایجاد نماید. پژوهش های عمادن و معنوی پور، ۲۰۱۹ و فردریکسون ۱۳۹۴ و دوانلو، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ تایید کننده این مهم هستند. آنچه در روان درمانی پویایی متمرکز کوتاه مدت دوانلو همواره مورد مناقشه بوده است، عدم وجود ابزارهای روانشناختی برای اندازه گیری سازه های مورد بحث در آن بوده است (هیکی، ۱۳۹۸) و تلاش برای ساختن مقیاس هایی که بتوانند اندازه گیری های روا و معتبری را به دست آورند از محورهای

تحلیل ها نشان دادند که مقیاس همدلی خود با ۱۶ گویه ۵ عامل توجه به بدن، درک احساس، درون نگری، اضطراب و مکانیسم های دفاعی را اندازه گیری نماید. این مقیاس با ضریب پایایی و روایی سازه و محتوایی، برای غربالگری افراد در میزان همدلی خود مناسب است.

نتیجه گیری و بحث

سازه همدلی در روابط انسانی از اهمیت بسزایی برخوردار است و سنجش آن می تواند راهگشای بسیاری از تصمیم گیری ها برای شکل دهی و تداوم روابط دارد. همدلی خود که سازه ای ترکیب شده از روابط درون روانی فرد با خویشتن است، علاوه بر شباهت هایی که با مفهوم همدلی دارد، با واژه هایی چون خودشیفتگی نیز همپوشی هایی دارد که جنبه های ناسالم آن را حذف می کند و بر جنبه های سازنده و آگاهی بخش آن تاکید دارد (معنوی پور، ۱۳۹۹). بر اساس مثلث تعارض مالان (هیکی، ۱۳۹۸، ترجمه معنوی پور) دنیای درون روانی هر فرد بر اساس پویاها میان احساس، اضطراب و مکانیسم های دفاعی

این پژوهش به عنوان نخستین تلاش برای ساخت مقیاس همدلی خود انجام شد که به ۱۶ گویه و ۵ عامل درونی این مفهوم دست یافت. شاخص های روانسنجی این مقیاس برای نخستین تلاش قابل تامل است. این مقیاس فعلا برای غربالگری مناسب است و این مسیر نیازمند پژوهش های گسترده تری است تا بتواند به شاخص های روانسنجی مناسب برای سنجش های بالینی دست یابد.

مورد توجه در این رویکرد است. این پژوهش با هدف ساخت مقیاس سنجش همدلی خود انجام شد. اگرچه سنجه هایی برای همدلی وجود دارد مانند پرسشنامه همدلی تورنتو (توتان، ۲۰۱۲، هولان، ۲۰۱۲) اما تاکید آن بر روابط بین فردی است و به دنیای درون روانی و پویای های آن توجهی ندارد. معنوی پور (۲۰۲۰) همدلی خود را پیش نیاز همدلی با دیگران می داند و این از اصول نخستین رویکرد دوانلو نیز هست.

منابع

معنوی پور، داود. (۱۳۹۹). برافراشتن ناهشیار. تهران: انتشارات دیدآور.
هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران: انتشارات سمت.
هیکی، کاترین. (۱۳۹۸). روان درمانی پوشی فشرده کوتاه مدت دوانلو DISTDP: درسنامه روان درمانگران (ترجمه داود معنوی پور) تهران: دیدآور (سال انتشار به زبان اصلی ۲۰۱۷).

پور افکاری، نصرت الله. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان شناسی-روانپزشکی. جلد اول و دوم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۶). لغت نامه. تهران: سازمان لغت نامه دانشگاه تهران
فردریکسون، جان. (۱۳۹۴). هم آفرینی تغییر: فنون تأثیرگذار درمان پویایی (ترجمه عنایت خلیقی سیگارودی). چاپ اول. تهران: انتشارات ارجمند (سال انتشار به زبان اصلی ۲۰۱۳).

Ashraf, S. (2004). Development and validation of the emotional empathy scale (EES) and the dispositional predictor and potential outcomes of emotional empathy. Unpublished doctoral dissertation, National Institute of Psychology, Quaid-i-Azam University, Islamabad.
Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., Skinner, R., Martin, J., & Clubley, E. (2001). The autism-spectrum quotient (AQ): evidence from Asperger syndrome/high functioning autism, males and females, scientists and

mathematicians. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 31,5_17.
Brown, M.W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In K.A. Bollen & J.S. Long (Eds.), *Testing structural equation model*, Newbury park, CA: sage. 136-164.
Bartky S. (1997). "Sympathy and Solidarity: On a Tightrope with Scheler." In: Meyers DT, ed. *Reminists Rethink the Self*. Oxford: Westview Press; p. 177-196.
Batson, C. D. (2009). *These things called empathy: eight related by distinct*

- phenomena. In J. Decety, & W. Ickes (Eds.), *The Social Neuroscience of Empathy* (pp. 315). Cambridge, MA: MIT Press.
- Davanloo, H. (2001). "Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy: Selected papers of Habib Davanloo", John Wiley and Sons, Chichester, England.
- Davanloo, H. (2016). *Proceedings of the Montreal Closed-Circuit Experiential Training Workshops in the Mobilization of the Unconscious and Davanloo's Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy*. Montreal, Canada.
- Davanloo, H. (2017). *Proceedings of the Montreal Closed-Circuit Experiential Training Workshops in the Mobilization of the Unconscious and Davanloo's Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy*. Montreal, Canada.
- Davanloo, H. (2019). *Proceedings of the Montreal Closed-Circuit Experiential Training Workshops in the Mobilization of the Unconscious and Davanloo's Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy*. Montreal, Canada.
- Davis MH. (1980). A multidimensional approach to individual differences in empathy. *JSAS Catalogue of Selected Documents in Psychology*. 10:85.
- Emaden, L. Manavipour, D. (2019). *Proceedings of the Tehran Closed-Circuit Experiential Training Workshops in the Mobilization of the Unconscious and Davanloo's Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy*. Tehran, Iran.
- Garton, A. F., & Gringart, E. (2005). The development of a scale to measure empathy in 8- and 9-year old children. *Australian Journal of Education and Developmental Psychology*, 5, 17_25
- Gerdes, K. E., Segal, E. A., & Lietz, C. A. (2010). Conceptualizing and measuring empathy. *British Journal of Social Work*, 40, 23262343.
- Gladstein GA. (1983). *Understanding empathy: Integrating counseling, developmental, and social psychology perspectives*. *J Couns Psychol*.30:467-482.
- Hall AJ, Schwartz R. (2018). Empathy present and future. *The Journal of Social Psychology*. [cited 15 August 2018]. Available from: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00224545.2018.1477442>
- Hashimoto, H., & Shiomi, K. (2002). The structure of empathy in Japanese adolescents: construction and examination of an empathy scale. *Social Behavior and Personality*, 30, 593_602.
- Henson, R.K & Roberts, J.K. (2006). Use of exploratory factor analysis in published research: common errors and some comment on improved practice, *Educational and psychological measurement*, 66, 393-416.
- Hogan, R. (1969). Development of an empathy scale. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 33, 307_316.
- Hojat, M., Mangione, S., Gonnella, J. S., Nasca, T., Veloski, J. J., & Kane, G. (2001). Empathy in medical education and patient care. *Academic Medicine*, 76, 669.
- Hollan D. (2012). *Emerging Issues in the Cross-Cultural Study of Empathy*. *Emot Rev*.4:70-78.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Development and validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence*, 29, 589_611
- Kerr, W. A. (1960). *Diplomacy Test of Empathy*. Chicago, IL: Psychometric Affiliates.
- Kline, R.B. (2005). *Principle and practice of structural equation modeling*, New York: Guilford press.
- Manavipour, D. (2020). *Transference Component of Resistance (TCR) In*

- Davanloo's Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy (DISTDP). 10:370. doi: 10.35248/ 2161-0487.20.10.370.
- Mehrabian, A. (2000). Manual for the Balanced Emotional Empathy Scale (BEES). Available from Albert Mehrabian; 1130 Alta Mesa Road, Monterey, CA 93940. Unpublished 43.
- Mehrabian A, Epstein N. (1972). A measure of emotional empathy. *J Pers.*;40:525-543.
- Mercer, S. W., Maxwell, M., Heaney, D., & Watt, G. C. M. (2004). The Consultation and Relational Empathy (CARE) measure: Development and preliminary validation and reliability of an empathy-based consultation process measure. *Family Practice*, 21, 699_705.
- Rieffe C, Ketelaar L, Wiefferink C. (2010). Assessing empathy in young children. Construction and validation of an empathy questionnaire. *Press Individ. In press .Personality and Individual Differences*, 49, 362-367.
- Thompson, E. (2001). Empathy and consciousness. *Journal of Consciousness Studies*. 8. Pp1-32.
- Wang Y, Davidson M, Yakushko OF, Savoy HB, Tan JA, Bleier JK. (2003). The scale of ethnocultural empathy: Development, validation, and reliability. *Journal of Counseling Psychology*;50:221-234.
- Reynolds, W. (2000). The measurement and development of empathy in nursing. Aldershot, UK: Ashgate.
- Reniers, R., Corcoran, R., Drake, R., Shryane, N. M., & Voormolen, B. A. (2011). The QCAE: A questionnaire of cognitive and affective empathy. *Journal of Personality Assessment*, 93, 84_95.
- Spreng, Nathan R., Margaret McKinnon, Raymond A. Mar, and Brian Levine. (2009). The Toronto Empathy Questionnaire: Scale development and initial validation of a factor-analytic solution to multiple empathy measures. *Journal of Personality Assessment* 91: 62-71.
- Totan, T., Doğan, T., & Sapmaz, F. (2012). The Toronto Empathy Questionnaire: Evaluation of psychometric properties among Turkish university students. *Egitim Arastirmaları-Eurasian Journal of Educational Research*, 46, 179-198